

Donor's Anonymity in Artificial Reproductive Technologies and the Convention on the Rights of the Child with Emphasis on the Child's Best Interests

Maryam Ghanizade Bafghi¹, Bagher Ansari²

Abstract

Nowadays more using of Artificial Reproductive Technologies as a new tech, has its special related questions and has become a scope for legal, moral and medical discussions. One of the issues which is under attention in the result of the methods application and by considering child's best interest (BIC) is the child's identity who have born especially with donation methods. Most of the countries' tendency is anonymity rather than secrecy. However, there are some countries that still consider secrecy as a crucial principle. Some of the interpretations by using article 7 of Convention on the Right of the Child, consider children's access to their biological roots as part of their right to identity and some deny child's access. In Iran, there is a double policy toward children with special status. While in Protection of children and Teenagers without Guardian or with Inappropriate Guardian Act (2013), disclosure and declaration is necessary and legal, in The Method of Embryo Donation Act (2003) this right has not been recognized. In this article we are going to analyze different approaches in disclosing information about biological parents and their relations to the best interest of the child principle in order to protect child's identity. According to the findings, it seems that Iran's divergent approach in disclosing information is because of a special interpretation on BIC which secrecy is considered suchlike. The thing that cultural grounds in Iran confirms.

Keywords:

Donor, Artificial Reproductive Technology, Biological Parents, Convention on the Rights of the Child, Best Interests of the Child

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Kharazmi University, Tehran, Iran.
(Corresponding author) Email: m.ghanizadebafghi@yahoo.com

2. Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Please cite this article as: Ghanizade Bafghi M, Ansari B. Donor's Anonymity in Artificial Reproductive Technologies and Convention on Rights of Child with Emphasis on Child's Best Interest. Iran J Med Law 2018; 11(43): 173-193.

ناشناس بودن اهداکننده در روش‌های کمک‌باروری (ART) و کنوانسیون

حقوق کودک با تأکید بر مصالح عالی‌ه کودک

مریم غنی‌زاده بافقی^۱

باقر انصاری^۲

چکیده

امروزه استفاده روزافزون از روش‌های کمک‌باروری در سراسر جهان، به عنوان یک فناوری بدیع که مسائل خاص خود را به همراه دارد، محملی برای بحث‌های حقوقی، اخلاقی و پزشکی است. یکی از موضوعاتی که در نتیجه کاربرد این روش‌ها و در بستر مصالح عالی‌ه کودک مورد توجه قرار گرفته است، مسأله هویت کودکان حاصل از این روش‌ها به ویژه در وضعیت اهدای جنین است. تمایل بسیاری از کشورها از پنهان‌بودن به سمت ناشناس‌بودن اهداکننده است، با این وجود برخی از کشورها همچنان پنهان‌بودن اهداکننده را اصلی ضروری تلقی می‌کنند. در این میان برخی با استناد به ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک، دسترسی او به نحوه ایجاد و تولد را بخشی از حق بر هویت شمرده‌اند و برخی با استناد به همین ماده او را از چنین دسترسی منع می‌کنند. قانونگذار ایران در موضوع هویت این کودکان، سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفته است و در حالی که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، اصل را بر اعلان هویت این دسته از کودکان و نوجوانان می‌داند، در قانون نحوه اهدای جنین این حق را برای کودکان به رسمیت نمی‌شناسد. در پژوهش حاضر به دنبال آن هستیم تا با بررسی رویکردهای مختلف نسبت به ارائه اطلاعات مربوط به والدین بیولوژیکی کودک و ارتباط آن با اصل مصالح عالی‌ه، مبنایی برای حمایت از هویت کودک بیابیم. بر اساس یافته‌های این پژوهش نیز به این نتیجه رسیدیم که به نظر می‌رسد عدم هماهنگی رویکرد قانونگذار ایران در خصوص افشای اطلاعات، به دلیل تفسیری است که از اصل مصالح عالی‌ه صورت گرفته و به موجب آن محرمانگی در راستای مصالح او تشخیص داده شده است. امری که زمینه‌های فرهنگی موجود در ایران نیز مؤید آن است.

۱. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: m.ghanizadebafghi@yahoo.com

۲. دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶

واژگان کلیدی

اهداننده، روش‌های کمک‌باروری، والدین بیولوژیکی، کنوانسیون حقوق کودک، مصالح

عالیه کودک

مقدمه

تمایل انسان به استمرار وجود و تداوم نسل از طریق فرزندانی هم‌خون و دارای مشابهت‌های ژنتیکی و وراثتی امری انکارناپذیر است. قوت این تمایل در آدمی، موجب پیدایش نسل‌های پی در پی انسانی و شکل‌گیری اقوام و ملت‌ها بوده است تا جایی که برخی تولید نسل را از فوائد ازدواج برشمرده‌اند (۱). فقدان فرزند نیز در طول تاریخ همواره مایه سرافکندگی خانواده‌ها و گاه مانع سعادت اخروی از دیدگاه ایشان تلقی شده است. برای مثال این طور بیان شده است که بنا بر اعتقاد زردشتیان، در صورتی که فردی بدون فرزند از دنیا برود، در سرای دیگر نمی‌تواند از پلی که مشرف به بهشت است، عبور کند و در آنجا منتظر نگاه داشته خواهد شد. از این رو بازماندگان با به فرزندخواندگی گرفتن کودکی سعی در فراهم کردن آرامش برای روح متوفی و سعادت اخروی وی داشتند (۲). همچنین در روایات اسلامی، یکی از مصادیق صدقه جاریه و باقیات صالحات، فرزند صالح عنوان شده (۳) و یا از جمله سفارش‌های پیامبر (ص) به یکی از صحابی، برگزیدن زنان ولود برای همسری است (۴). با این وجود، امروزه به دلایل مختلف از جمله بالارفتن سن ازدواج، تغذیه نامناسب و مشکلات جسمی، قرارگرفتن در معرض بخارات سمی ناشی از وسائل صنعتی و اتومبیل‌ها و حتی بیماری‌های وراثتی و... درصد زیادی از زوجین با معضل ناباروری رو به رو شده‌اند.

روی آوردن به استفاده از روش‌های کمک‌باروری صدها سال است که مورد امتحان و عمل قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این امر برای اولین بار در فیلادلفیا در ۱۸۸۴ به صورت موفق در مورد انسان به کار رفت (۵). دریافت‌کننده از قبل بیهوش شده بود و نمی‌دانست اسپرم چه کسی وارد بدنش شده است، اگرچه همسر این زن که مردی عقیم بود، در جریان بود، اما هرگز به همسر خود در این مورد چیزی نگفت. پسر خانواده نیز در این مورد چیزی نمی‌دانست و بارها اهداکننده خود را بدون آنکه وی را بشناسد، ملاقات کرده بود (۶). در انگلستان نیز تا همین اواخر، تلقیح از طریق اهدا، پنهان و ناشناس بود و در ۱۹۸۷ کالج سلطنتی انگلیس به دریافت‌کنندگان اعلام می‌داشت تا زمانی که به کودک در مورد نحوه تولد و تلقیح چیزی گفته نشده، هیچ دلیلی وجود ندارد که آن‌ها در این زمینه چیزی بدانند. این بیان، نشان‌دهنده قائل نبودن حق بر هویت برای این دسته از کودکان بود، حتی پس از تولد لوئیس براون، به عنوان اولین کودک متولدشده از لقاح آزمایشگاهی در سال ۱۹۷۸ نیز اگرچه آگاهی مردم نسبت به

روش‌های نوین درمان ناباروری افزایش یافت، اما همچنان اصل بر محرمانه‌بودن اطلاعات مربوط به این فرآیند بود و برای سالیان طولانی، یکی از اصول اساسی در روش‌های مصنوعی تولد کودک قرار گرفت که دلایل آن در ادامه خواهد آمد. با این وجود و با گذشت زمان و متداول شدن روش‌های کمک‌باروری از یکسو و تدوین قوانین در مورد عدم مسئولیت اهداکنندگان و همچنین یافته‌های روانشناختی در مورد رفاه کودک در وضعیت آگاهی نسبت به والد یا والدین بیولوژیکی از سوی دیگر، به تدریج نوع نگاه و جهت‌گیری نسبت به موضوع تغییر کرد. در برخی از کشورها نیز قوانینی در این خصوص تصویب شد. برای نمونه به موجب گزارشی در سال ۲۰۰۳ اکثریت قابل توجهی از والدین گیرنده اسپرم از بانک اسپرم در کالیفرنیا اعلام کرده‌اند که به کودکان خود در این مورد گفته‌اند و یا خواهند گفت. در انگلستان نیز مطالعات نشانگر آن است که اخیراً تعداد والدینی که قصد ندارند کودکان خود را در مورد ریشه‌های بیولوژیکی‌شان آگاه کنند، نسبت به دیگرانی که قصد این کار را دارند، کم‌تر شده است (۷).

در این راستا یکی از نویسندگان (۸) در مورد مدیریت اطلاعات در خصوص ریشه‌های ژنتیکی، سه استراتژی را مطرح کرده است: اولین راه‌کار، «پنهان‌بودن کامل (Full Secrecy)» است، بدین معنا که هیچ منفعت خاصی از افشای اطلاعات حاصل نمی‌شود و همچنین احتمال ملوک‌شدن (Stigmatizing) کودک وجود دارد؛ دومین راه‌کار، گفتن حقیقت در مورد ابزار تولد و ارائه برخی اطلاعات ابتدایی در مورد اهداکننده است، اما هویت اهداکننده افشا نمی‌شود؛ در راه‌کار سوم، تا جای ممکن حقیقت به کودک به نحوی که وی نیاز دارد تا احساس کاملی نسبت به هویت خود را توسعه دهد، بیان می‌شود. نویسنده‌ای دیگر (۹) راه‌کار چهارمی را پیشنهاد داده و آن این است که اهداکننده می‌تواند بین ناشناس‌بودن و یا شناسابودن دست به انتخاب بزند و گیرنده (زوج یا زوجه) نیز ناشناس و یا شناسابودن اهداکننده را انتخاب کنند، البته خود نویسنده نیز اذعان می‌کند که در این روش والدین و یا اهداکننده می‌توانند اطلاعات را از کودک پنهان دارند.

کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مربوط به کودکان، اگرچه به طور مستقیم به وضعیت کودکان متولدشده از طریق روش‌های کمک‌باروری نمی‌پردازد، لکن با توجه به شناسایی حق بر هویت کودک در ماده ۸ خود که به موجب آن ضرورت شناسایی والد یا والدین بیولوژیکی در راستای توسعه هویت کودک قابل استنباط است

و همچنین اصل مصالح عالیله کودک، مطروحه در ماده ۳، به عنوان یکی از چهار اصل حاکم بر کنوانسیون که مقتضی تعیین تکلیف در خصوص وضعیت این دسته از کودکان است، به نظر می‌رسد رویکرد مثبتی نسبت به افشای اطلاعات در این زمینه دارد.

در پژوهش حاضر ابتدا به بررسی موضوع ناشناس‌بودن ریشه‌های بیولوژیکی خواهیم پرداخت و رویکرد کشورهای مختلف در رابطه با آن را پیگیری می‌کنیم. در گام بعد، مواضع کنوانسیون حقوق کودک در خصوص ناشناس‌بودن اهداکنندگان، ارتباط با حق بر هویت کودک و همچنین دلایل موافقان و مخالفان این مسأله و استدلال‌های هر یک از طرفین بررسی خواهد شد. در نهایت نیز رویکرد قانونگذار ایران و قوانین مرتبط در این حوزه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

ناشناس‌بودن یا پنهان‌بودن

در موضوع روش‌های کمک‌باروری باید دو مفهوم «پنهان و سَرّی‌بودن (Secrecy)» و «ناشناس‌بودن (Anonymity)» را از یکدیگر تفکیک نمود. پنهان‌بودن به معنای ناپیدا بودن از اطلاع و یا آگاهی همگان است، در حالی که ناشناس‌بودن به معنای بدون نام و هویت‌بودن می‌باشد. پنهان‌بودن اهداکننده و یا روش کمک‌باروری، به معنای فقدان هر گونه اطلاعات در این زمینه است. بدین ترتیب که کودک نه تنها از نحوه تولد خود و روش به کاررفته در این خصوص بی‌اطلاع است، در مورد اهداکننده نیز اطلاعی ندارد. در مقابل، ناشناس‌بودن به معنای اطلاع‌داشتن از هویت، نحوه و روش مصنوعی و غیر طبیعی تولد است، اما کودک در آن نسبت به هویت‌شناختی اهداکننده یا اهداکنندگان اطلاعاتی ندارد. یکی از مسائلی که در باب افشای اطلاعات مطرح است، تزاخم میان حق بر هویت، دسترسی به اطلاعات هویتی و تکلیف دولت در تسهیل دسترسی به این اطلاعات از طریق تصویب قانون و مقررات مربوطه از یک طرف و شائبه دخالت در حریم خصوصی افراد و خدشه‌دار کردن آن، از طرف دیگر، می‌باشد.

با این وجود و در ۴۰ سال گذشته به تدریج از اهمیت و ضرورت پنهان‌بودن اهدا اهداکننده کاسته شده و حتی بسیاری از افرادی که از طریق اهدای تخمک باردار می‌شوند، تمایل دارند این اهدا از جانب آشنایان صورت گیرد (۱۰). آسیب‌زا بودن وجود یک راز بین اعضای خانواده، تدوین قوانین مختلف به منظور حمایت از حقوق اهداکننده و میرادانستن وی از کلیه تکالیف قانونی و مالی و همچنین امکان ثبت به عنوان پدر کودک، توسط همسر زن و

یا شریک او و مشروعیت بخشیدن به کودک از این طریق، پیشرفت تکنولوژی در زمینه اهدای تخمک و... همگی از جمله دلایل کم‌رنگ‌شدن تمسک به این شیوه است، در حالی که «پنهان بودن» اهداکننده جایگاه قابل توجهی ندارد، «ناشناخته‌بودن» هنوز جایگاه خود را حفظ کرده است.

امروزه برخی از کشورها اصل را بر افشای هویت اهداکننده می‌گذارند و این امر را نیز در قوانین خود وارد کرده‌اند؛ سوئد، اتریش، هلند، نروژ، بریتانیا، نیوزیلند، فنلاند، ایالت ویکتوریا، استرالیا، غربی و سوئیس از جمله این کشورها هستند که در برخی ارائه و افشای اطلاعات اهداکننده با درخواست کودک و تنها به شخص او صورت می‌گیرد و در برخی گیرندگان (اسپریم/ تخمک) علاوه بر کودک، می‌توانند چنین درخواستی دهند (۱۱)، البته مدت نگهداری و حفظ اطلاعات در این کشورها متفاوت است و در حالی که در بریتانیا، ایالت ویکتوریا و استرالیا، غربی این اطلاعات برای همیشه ثبت و ضبط می‌شوند، این مدت در سوئد ۷۰ سال و در هلند به ۸۰ سال است (۱۲).

توجه به سن یا سایر شرایط کودک در امکان دسترسی به اطلاعات، محدودیت‌های افشای اطلاعات و حدود دسترسی به اطلاعات (نسبت به سایر کودکان حاصل از اهدای اهداکننده واحد، تعداد و جنسیت ایشان) و... از جمله موارد مورد اشاره در این قوانین است. در مقابل برخی دیگر نیز این اصل را به رسمیت نمی‌شناسند و حفظ گمنامی و ناشناس‌بودن اهداکننده را دارای اولویت می‌دانند. برای مثال اسپانیا در گزارش سال ۲۰۰۱ خود به کمیته کنوانسیون حقوق کودک بیان داشته است که در هیچ یک از اسناد هویتی نباید در مورد نحوه تولد فرد صحبتی شده باشد. گزارش ۱۹۹۳ فرانسه بیانگر آن است که حفظ ناشناس‌بودن و گمنامی اهداکننده در راستای مصالح اهداکننده، گیرندگان و کودک است. طی این گزارش فرانسه اعلام داشت، شوهر زنی که به درمان همسرش رضایت داده است، به عنوان پدر کودک شناخته می‌شود و اهداکننده، پدر نیست. به علاوه با توجه به متن ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک، که بیان می‌دارد «تا جای ممکن والدینش را بشناسد»، این شناخت شامل این قضیه نمی‌شود (۱۳).

موافقان و مخالفان ناشناس بودن اطلاعات اهداکننده

۱- دلایل موافقان

بدون شک اهدای گامت، با اهدای خون متفاوت است، زیرا در نتیجه اهدای گامت (اعم از تخمک و اسپرم) انسانی ایجاد می‌شود که نیمی از ژن‌های وی متعلق به اهداکننده است. این فرد منافع، احساسات و تمایل برای خودشناسی را همچنان که بزرگ‌تر می‌شود، توسعه می‌دهد. در مورد این افراد اطلاعات در خصوص ریشه‌های ژنتیکی می‌تواند بسیار مرتبط و مؤثر باشد. به طور کلی موافقان عدم افشای اطلاعات در خصوص نحوه تولد و همچنین اهداکننده از دلایل موجود در خصوص فرزندخواندگی باز (Open Adoption) نیز استفاده می‌کنند و بر این عقیده‌اند که:

- پنهان بودن مانع از برچسب‌خوردن کودک به خاطر وضعیت متفاوت در تولد می‌شود.

- از والدین اجتماعی و کودک در مقابل مداخله‌های آینده والدین اولیه در زندگی ایشان حمایت می‌کند.

- از والدین بیولوژیکی در مقابل دخالت‌های والدین اجتماعی در زندگی‌شان حمایت می‌کند.

- محدود کردن ناشناس بودن و امکان افشای اطلاعات منجر به کم‌شدن تعداد اهداکنندگانی می‌شود که یا به خاطر شرم و یا به دلیل ترس از پرداخت نفقه به کودک، حاضر به اهدا نمی‌شوند (۱۴).

- ممنوعیت افشای اطلاعات سبب جلوگیری از برچسب‌خوردن زوجین به عنوان زوجین نابارور و ملکوک‌نشدن ایشان می‌شود.

- از احساسات زوج نابارور (به ویژه مرد) حمایت شده و مانع از سرخوردگی وی می‌شود.

- ناشناسی مانع ایجاد تنش در میان اعضای خانواده به ویژه کودک و فردی که با کودک ارتباط ژنتیکی ندارد، می‌شود.

- ناشناس بودن حس عدم موازنه و در رتبه پایین‌تر نسبت به والد دیگر قراردادن زوج

نابارور را از بین می‌برد؛ این امر باعث می‌شود که وی نیز خود را در تصمیمات مربوط به کودک مسؤول دانسته و بتواند نقش مؤثری در تربیت و پرورش او ایفا کند (۱۵).

- این امر در راستای حمایت از حریم خصوصی خانواده است و به زوجین اجازه می‌دهد ابزار مصنوعی تولد کودکان را در صورت صلاحدید، مخفی نگاه دارند و مانع از مداخله دیگران در حریم خانواده و واکاوی مشکلات ایشان شوند (۱۶).

۲- دلایل مخالفان

در مقابل افرادی که مخالف پنهان‌کاری و معتقد به افشای اطلاعات و یا هویت والدین بیولوژیک هستند، بر این باورند، امور ژنتیکی از جمله اولین اموری است که کودک در آن با والدین و سایر اعضای خانواده شریک است. همچنین این ژن‌ها هستند که ویژگی‌های جسمی، هوش، رفتارها و وضعیت فرد نسبت به بیماری‌ها را تعیین می‌کنند. ممکن است بیماری‌های فرد اهداکننده مدت‌ها پس از اهدا، بروز کند و در سلامت جسم و روان کودک تأثیرگذار باشد. ناشناخته‌بودن و عدم دسترسی به سوابق اهداکننده در بررسی وضعیت کودک و شناسایی و درمان بیماری‌های وی می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیری برای کودک به همراه داشته باشد. به علاوه تجربه فرزندخواندگی نشان داده است که پنهان‌کاری باعث نمی‌شود که زوجین به سادگی والدین ژنتیکی را فراموش کنند. به علاوه پنهان‌کاری می‌تواند بر رابطه زوجین با یکدیگر و رابطه ایشان با کودک تأثیر گذارد. این امر می‌تواند اعتماد اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را از بین برده و ترس، نگرانی و تنش در مورد امکان افشای غیر منتظره را به وجود بیاورد. به عبارت دیگر خود زوجین نیز در حفظ این راز احساس راحتی و آرامش نمی‌کنند.

همچنین همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در افشای اطلاعات مربوط به ریشه‌های بیولوژیکی، خدشه‌دار شدن رفاه این دسته از کودکان بود که بنا بر نظر مشاوران و روانشناسان، این امر با مخفی‌نگاه‌داشتن سابقه تولد تأمین می‌شد، در حالی که مطالعات بعدی نشان داد برخی از افرادی که در مورد ریشه‌های بیولوژیکی خود اطلاعاتی نداشتند، دچار احساس منفی‌تر شدن می‌شدند. به موجب یک تحقیق، تمایل افراد بر این بود که در دوران جوانی، این موضوع با ایشان در میان گذاشته شود. ایشان اکتفا به اطلاعات کلی را کافی نمی‌دانستند و تمایل به داشتن اطلاعات هویتی و ملاقات با خواهران و برادران ناتنی داشتند (۱۷).

مسأله بعدی نقش مساعدت‌های قانونی به منظور حمایت از حقوق اهداکننده است که تأکید می‌کند اهداکننده هیچ‌گونه تکلیف قانونی و مالی در مورد کودک نداشته و همسر یا

شریک زن به عنوان پدر کودک شناسایی می‌شود (۱۸). این موضوع زمینه را برای تغییر نگرش نسبت به مسأله افشای اطلاعات در مورد اهداکننده یا سایر روش‌های کمک‌باروری فراهم کرد. پیشرفت‌های گسترده تکنولوژی در زمینه روش‌های کمک‌باروری و تلقیح از طریق اهدا نیز تأثیر به‌سزایی در این تغییر نگرش داشته است. پیشگیری از موارد اتفاقی ازدواج کودک با محارم به ویژه در شهرهای کوچک و شهرستان‌ها نیز یکی دیگر از دلایل موافقان افشای اطلاعات است. از این رو آگاهی از هویت اهداکننده و یا حداقل ثبت آن برای آگاه‌سازی کودک در زمان مناسب در آینده لازم به نظر می‌رسد (۱۸).

از جمله دلایل مورد توجه موافقان رازداری که در سطور پیشین بدان اشاره شد، حفظ حریم خصوصی روابط زوجین بود. در مقابل این نظر برخی از نویسندگان بر این باورند که درست است که روابط شخصی زوجین در حوزه حریم خصوصی قرار می‌گیرد، اما زمانی که از دیگری/دیگران برای حل مسأله ناباروری استفاده می‌شود، دیگر نمی‌توان بر آن وصف خصوصی بودن بار کرد. به علاوه افرادی که به فروش گامت (اسپرم/ تخمک) اقدام می‌کنند، در معامله‌ای تجاری شرکت می‌کنند و بر عمل خود و تبعات آن، مانند این که از این گامت انسانی به وجود خواهد آمد که ممکن است پیگیر منشأ بیولوژیکی خود باشد، کاملاً واقف‌اند. از این رو نمی‌توان صرفاً با لحاظ منافع ایشان، کودک را از حق خود محروم نمود (۱۹).

رویکرد کنوانسیون حقوق کودک در افشای اطلاعات

افشای اطلاعات و دسترسی کودک به هویت و اطلاعات اهداکننده، به ویژه ریشه‌های بیولوژیکی او در بستر کنوانسیون را می‌توان از پنج منظر مورد توجه قرار داد:

- ۱- مصالح عالی‌ه کودک؛
- ۲- حق دانستن و شناختن والدین؛
- ۳- احترام به هویت، خانواده و زندگی خصوصی؛
- ۴- دسترسی به اطلاعات؛
- ۵- حمایت در مقابل تبعیض.

در این میان به نظر می‌رسد، سه بحث مصالح عالی‌ه کودک، احترام به هویت کودک و حق بر شناسایی والدین، بیشترین ارتباط با موضوع را داشته باشند.

۱- مصالح عالی‌ه کودک

همانطور که در متن ماده ۳ کنوانسیون آمده، در کلیه اقدامات و تصمیم‌گیری‌های مربوط به کودکان می‌باید این اصل در اولویت توجه و اهتمام دولت‌های عضو قرار گیرد. نکته قابل توجه آن است، اگرچه در کنوانسیون، کودک عبارت از هر فرد انسانی از زمان تولد تا ۱۸ سالگی است، لکن اولاً در پاراگراف نهم مقدمه کنوانسیون حقوق کودک، که برگرفته از پاراگراف سوم اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ است، به حمایت از کودک قبل از تولد نیز اشاره شده است؛ ثانیاً تعیین تکلیف در مورد این دسته از کودکان، ملاحظه رفاه ایشان و ایجاد دسترسی به مناشی بیولوژیکی، امری است که بر کل زندگی ایشان تأثیرگذار خواهد بود. کنسول اروپا نیز در همین راستا بیان داشته است، رفاه کودکی که هنوز متولد نشده، به طور صریح در قوانین و مقرراتی که شرایط دسترسی به تکنیک‌های تلقیح پزشکی را مدیریت می‌کند، فراهم شده است (۲۰). قانون باروری انسان و جنین‌شناسی انگلیس نیز به رفاه کودکی که ممکن است از طریق روش‌های کمک‌باروری به دنیا بیاید و همچنین هر کودکی که ممکن است از این امر متأثر شود، توجه کرده است.

۲- حق شناختن والدین

ماده ۷ کنوانسیون در این مورد بیان می‌دارد که کودک باید «تا جای ممکن در مورد والدین خود اطلاعات داشته باشد (as far as possible, the right to know... his or her parents)»؛ اعمال این ماده تا حد زیادی وابسته به معنایی است که از مفهوم «والدین» بیان می‌کنیم. برای نمونه در کتاب راهنمای اجرای کنوانسیون مذکور آمده: «فرض عقلانی آن است از آنجا که حق کودک در شناختن والدینش مهم است، تعریف والدین شامل والدین ژنتیکی نیز می‌شود.» از این رو رازداری در خصوص اهدای گامت، نقض حق کودک در شناخت والدین اولیه است (۲۱). همچنین زمانی که انگلستان به کنوانسیون حقوق کودک پیوست، بیان داشت که قصد دارد منظور خود از والدین را به اشخاصی که در قانون به عنوان والدین شناسایی شده‌اند، محدود کند. در قانون باروری انسان و جنین‌شناسی ۲۰۰۸ این کشور نیز، ماده ۳۳ اهداکننده‌ای که با رضایت خود اهدا می‌کند را به موجب قانون به عنوان والد کودک شناسایی نمی‌کند. برخی از دول عضو کنوانسیون نیز این ماده را در راستای دسترسی کودک به اطلاعات مربوط به اهداکننده، تفسیر کرده‌اند و برای نمونه در قانون باروری پزشکی استرالیا این طور آمده که

کودک پس از رسیدن به سن ۱۴ سالگی می‌تواند به هویت اهداکننده‌اش دسترسی داشته باشد (۲۲).

۳- احترام به هویت، خانواده و زندگی خصوصی

شناسایی حق بر هویت کودک، صراحتاً در ماده ۸ کنوانسیون صورت گرفته و به موجب آن دولت‌های عضو موظف به محترم‌شمردن و حمایت از هویت کودک می‌باشند؛

(Article 8 Article 8: 1. States Parties undertake to respect the right of the child to preserve his or her identity, including nationality, name and family relations as recognized by law without unlawful interference.)

با توجه به آنکه هویت، برداشت هر فرد از خود، در رابطه با دیگران تعریف شده و به نسبتی که فرد با جامعه‌اش روابط معنادار اجتماعی برقرار می‌کند، تکامل می‌یابد (۲۳)، اطلاعات مربوط به والدین بیولوژیکی نیز بخشی از هویت کودک تلقی شده که در توسعه شخصیت وی تأثیرگذار است.

به علاوه مقدمه کنوانسیون، رشد و پرورش کودک در محیط خانواده و در فضایی (مملو) از خوشبختی، محبت و تفاهم را ترغیب می‌کند. ماده ۱۸ قسمت ۲ نیز بر تعهدات دولت‌ها برای فراهم‌نمودن «کمک مناسب به والدین و سرپرستان قانونی در اجرای وظیفه پرورش کودکانشان» تأکید می‌کند؛

(Article 18: 2. For the purpose of guaranteeing and promoting the rights set forth in the present Convention, States Parties shall render appropriate assistance to parents and legal guardians in the performance of their child-rearing responsibilities and shall ensure the development of institutions, facilities and services for the care of children.)

برخی از افرادی که با روش‌های کمک‌باروری متولد شده‌اند، تمایل دارند تا بیشتر در مورد اهداکننده‌شان بدانند و از این طریق حس کامل‌تری از هویت خود داشته باشند. با این حال یکی از موانع در ارائه اطلاعات در مورد والدین ژنتیکی کودک، فقدان این اطلاعات است که موجب فراهم‌شدن زمینه پنهان‌کاری و فریب‌کاری در خانواده و ایجاد تنش می‌شود، لذا دریغ‌کردن این اطلاعات یا تلاش‌نکردن در این زمینه، مغایر مقدمه کنوانسیون و ماده ۱۸ آن خواهد بود.

۴- دسترسی به اطلاعات

ماده ۱۳ کنوانسیون در مورد حق بر اطلاعات است و در آن به دسترسی آزاد کودک به اطلاعات اشاره شده است؛

(Article 13: 1. The child shall have the right to freedom of expression; this right shall include freedom to seek, receive and impart information and ideas of all kinds, regardless of frontiers, either orally, in writing or in print, in the form of art, or through any other media of the child's choice.)

از این رو این حق، ایجاب می‌کند که کودک بتواند به شیوه تولد و هویت اهداکننده/ اهداکنندگان دسترسی داشته باشد، البته همانطور که در متن کنوانسیون نیز اشاره شده، این دسترسی تنها به موجب قانون و یا در شرایط ضروری قابل محدود شدن است؛

(Article 13: ...2. The exercise of this right may be subject to certain restrictions, but these shall only be such as are provided by law and are necessary: (a) For respect of the rights or reputations of others; or (b) For the protection of national security or of public order (ordre public), or of public health or morals.)

۵- حمایت در برابر تبعیض

ماده ۲ کنوانسیون در مورد حمایت در برابر تبعیض است. دریغ کردن اطلاعات در مورد ریشه‌های ژنتیکی نسبت به افرادی که از طریق روش‌های کمک‌باروری به دنیا آمده‌اند، در حالی که بقیه افراد به این اطلاعات دسترسی دارند، نوعی تبعیض محسوب می‌شود. در مقابل، ارائه اطلاعات و فاش کردن نحوه تولد کودک نیز می‌تواند کودک را در معرض رفتار تبعیض‌آمیز قرار دهد.

رویکرد قوانین ایران در زمینه افشای اطلاعات

موضوع روش‌های نوین کمک‌باروری به عنوان یکی از امور مستحدثه، مورد بررسی و مذاقه فقها و حقوقدانان قرار گرفته است. آنچه در این میان مورد اتفاق فقهاست، روش لقاح اسپرم و تخمک زوجین به صورت خارج رحمی و یا داخل رحمی و همچنین اهدای جنین است. سایر روش‌ها مانند اهدای اسپرم ثالث، از نظر بسیاری از فقها جایز نیست (۲۴) و در اهدای تخمک

بیگانه نیز اخلاف نظر وجود دارد. با این حال تنها روشی که مورد توجه قانونگذار ایرانی قرار گرفته، روش اهدای جنین است که به موجب آن جنین حاصل از لقاح زوجین اهداکننده به رحم زن متقاضی جنین وارد می‌شود و در آنجا مراحل تکون و رشد خود را طی می‌کند.

۱- قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور ۱۳۸۲ و آیین‌نامه اجرایی آن ۱۳۸۳

این قانون که برای تسهیل شرایط زوجین نابارور تدوین شده، به کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی‌صلاح، اجازه می‌دهد با رعایت ضوابط شرعی و شرایط قانونی نسبت به انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آن‌ها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده، اقدام نمایند. به موجب بند ب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز «جنین» عبارت است از «نطفه حاصل از تلقیح خارج از رحمی زوج‌های قانونی و شرعی که از مرحله باروری تا حداکثر پنج روز خواهد بود، این جنین می‌تواند به دو صورت تازه و منجمد باشد». آنچه در این قانون مرتبط به بحث فعلی است، بند «ت» و تبصره ماده ۶ و ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی است.

بند «ت» ماده ۶ به موضوع دریافت، نگهداری و انتقال جنین‌های اهدایی اشاره کرده که باید توسط مراکز مجاز تخصصی درمان ناباروری و در شرایطی کاملاً محرمانه صورت بگیرد. با توجه به این بند، هویت اهداکنندگان و گیرندگان نیز که بخشی از روند دریافت و انتقال را تشکیل می‌دهد، غیر قابل دسترسی و محرمانه خواهد بود. این امر در تبصره همین ماده با این بیان که «اطلاعات مربوط به جنین‌های اهدایی جزء اطلاعات به کلی سری، طبقه‌بندی می‌شوند» مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین به موجب قانون ایران، کودک، والدین طبیعی و گیرندگان حق دسترسی به این اطلاعات را ندارند. تنها استثنای این مسأله، در ماده ۱۰ عنوان شده است که در اختیار قراردادن اطلاعات را با رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی و صرفاً به مراجع قضایی صلاحیت‌دار ممکن می‌داند؛

ماده ۲: «هر یک از کارکنان سازمان‌های مذکور در ماده یک که حسب وظیفه مأمور حفظ اسناد سری و محرمانه دولتی بوده یا حسب وظیفه اسناد مزبور در اختیار او بوده و آن‌ها را انتشار داده یا افشا نماید یا خارج از حدود وظایف اداری در اختیار دیگران قرار دهد یا به هر

نحو دیگران را از مفاد آن‌ها مطلع سازد، در مورد اسناد سری به حبس جنحه‌ای درجه دو از دو تا ده سال و در مورد اسناد محرمانه به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود...». وجود چنین استثنایی، گرچه نوید مطلق نبودن محرمانگی در اهدای جنین را می‌دهد، لکن همچنان مسائلی مانند اشخاصی که می‌توانند متقاضی این اطلاعات باشند، شرایطی که به موجب آن می‌توان متقاضی دسترسی شد، مدت زمان نگهداری و حفظ اطلاعات و... مبهم و ناگفته است. از طرف دیگر این سؤال باقی است که به چه منظور در تبصره مذکور، ارائه اطلاعات، منوط به رعایت قوانین مربوط به حفظ و نگهداری اسرار دولتی شده است؟ به موجب ماده یک قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳ «اسناد دولتی سری، اسنادی است که افشای آن مغایر با مصالح دولت و یا مملکت باشد و اسناد دولتی محرمانه، اسنادی است که افشای آن‌ها مغایر با مصالح خاص اداری سازمان‌های مذکور در این ماده باشد.» در ادامه، ماده یک آیین‌نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه‌بندی و نحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱۳۵۴، اسناد سری و محرمانه دولتی به اعتبار میزان مراقبتی که باید در حفظ آن‌ها اعمال شود را به چهار طبقه تقسیم می‌کند و در طبقه اول، اسناد به کلی سری را اسنادی می‌داند که افشای غیر مجاز آن‌ها به اساس حکومت و مبانی دولت ضرر جبران‌ناپذیری برساند.

بنابراین مشخص نیست که بر اساس چه منطقی قانونگذار اطلاعات راجع به اهدای جنین را در زمره اطلاعاتی می‌داند که افشای آن به اساس حکومت و مبانی دولت ضرر جبران‌ناپذیری رسانده و ضمانت اجرای ۲ تا ۱۰ سال حبس دارد، زیرا اطلاعات در زمینه اهدای جنین بیش از حکومت و دولت، با مصالح اهداکنندگان و گیرندگان و کودک مرتبط است که تخصصاً از موضوع قانون مذکور خارج می‌باشد. به علاوه امروزه در کنار مراکز دولتی که به درمان ناباروری و اهدای جنین مشغول‌اند، مراکز غیر دولتی و خصوصی نیز وجود دارند که به طور گسترده در این زمینه فعال هستند. از این رو نمی‌توان ایشان را مشمول مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه دولتی دانست. با توجه به مطالب بالا باید گفت که قانونگذار ایران، اصل را بر پنهان‌بودن و محرمانگی اطلاعات می‌داند، اما نتوانسته به خوبی شرایط و لوازم قانونی آن را تمهید نماید.

به نظر می‌رسد یکی از دلایل تأکید قانونگذار بر محرمانگی، عدم تعیین تکلیف در خصوص نسب طفل است. در فقه امامیه نسب در نتیجه تولد، به موجب رابطه زوجیت قطعی یا از روی شبهه و لقاح اسپرم مرد و تخمک همسر وی، ایجاد شده و آثاری چون ولایت، حضانت، نفقه، ارث و محرمیت را به دنبال دارد. فقدان رابطه ژنتیکی بین گیرندگان و کودک، به معنای عدم برخورداری از آثار نسب است. در همین راستا قانون مذکور در ماده ۳ بیان داشته «وظایف و تکالیف زوجین اهداگیرنده جنین و طفل متولدشده از لحاظ نگهداری و نفقه و احترام، نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.» این ماده اولاً صحبتی از حقوق طرفین نکرده و تنها به بحث وظایف و تکالیف پرداخته؛ ثانیاً در مورد سایر آثار نسب، صحبتی به میان نیاورده است. از همین رو پنهان‌ماندن هویت والدین اولیه تا حدی مانع ایجاد مشکلات ناشی از مطالبه‌گری والدین اولیه و یا کودک پس از رسیدن به سن بلوغ خواهد بود.

۲- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲

قانون فوق که پس از قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳، در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید، علی‌رغم مشابهت‌های فراوان با قوانین فرزندخواندگی در سایر کشورها، مهم‌ترین ویژگی مربوط به فرزندخواندگی که همانا تسری آثار نسب حقیقی بر رابطه سرپرستی است را به رسمیت نمی‌شناسد. یکی از ثمرات این نوع رویکرد نسبت به رابطه سرپرستی، در ماده ۲۲ قانون مذکور و همچنین ماده ۳ آیین‌نامه مربوطه، مصوب ۱۳۹۴/۴/۲۱ به چشم می‌خورد که به موجب آن، اداره ثبت احوال نسبت به اعلام هویت کودک و نوجوان از طریق اعلان مفاد حکم سرپرستی و همچنین درج نام و نام خانوادگی والدین واقعی در صورت مشخص‌بودن در اسناد سجلی کودک مکلف شده است.

شایان ذکر است بیشتر افرادی که مخالف اعلان مفاد حکم سرپرستی در اسناد سجلی هستند، دلایلی مشابه دلایل مخالفان فرزندخواندگی باز (از انواع فرزندخواندگی) را مطرح می‌کنند. این در حالی است که امروزه اکثر روانشناسان رویکرد در دسترس قراردادن اطلاعات هویت و پنهان‌نکردن آن از کودکان پیگیری کرده و توصیه می‌نمایند. نتیجه آنکه به نظر می‌رسد نفس دسترسی کودک به اطلاعات مربوط به خانواده اولیه در راستای مصلحت او است، لکن زمان و کیفیت در اختیارگذاشتن این اطلاعات بستگی کاملی به اوضاع و احوال و شرایط

روحي و رواني کودک دارد. در اين راستا سرپرستان به عنوان والدين جديد کودک و نوجوان، که در واقع مجري مصالح اويند بايد در اين زمينه تصميم گيري نمايند.

نتيجه گيري

توجه روزافزون به روش هاي نوين کمک باروري سيلى از سوالات و مسائل را پيرامون حقوق مختلف کودک و والدين به وجود آورده است. از جمله اين موارد حق کودک در دسترسي به اطلاعات پيرامون والدين و ساير اعضاي خانواده بيولوژيکي خود است. امري که ابتدا با رويکرد «پنهان بودن» اهداکننده و همچنين نحوه توليد مثل و سپس رويکرد «ناشناس بودن» مطرح شد. امروزه روندی صعودی در خصوص کشورهایی که امر ناشناس بودن را به جای پنهان بودن به کار می‌برند، به چشم می‌خورد، اگرچه این کشورها نیز دسترسي کامل و جامع را برای کودکان یا ساير گیرندگان فراهم نمی‌کنند و هر یک شرايطی را برای اين امر در نظر گرفته‌اند. قانونگذار ايران در اين موضوع در دو قانون مختلف، دو رويکرد متفاوت را در پيش گرفته است. در يکي، حق دسترسي کودک به اطلاعات هويتي والدين اوليه خود را به رسميت شناخته و قاطعانه متوليان امر را مکلف به اعلان اين مسأله بدون درخواست طفل یا سرپرستان کرده است و در قانون ديگر نه تنها ناشناس بودن را به رسميت نمی‌شناسد، بلکه اصل را بر پنهان بودن کلیه اطلاعات و حتی شيوه تولد کودک می‌داند، اگرچه دسترسي مراجع قضايی به اين اطلاعات را مجاز دانسته، اما در مورد علل و زمينه‌های دسترسي، نوع اطلاعات قابل افشاء، درخواست کودک یا گیرندگان جنين و شرايط مربوط به آن، مدت حفظ و نگهداری اطلاعات و... سخنی به میان نیاورده است. اين در حالی است که به گفته طرفداران افشای اطلاعات، جلوگیری از اختلاط نسب و ازدواج با محارم يکي از دلايل مهم در ارائه اطلاعات است. با توجه به مسأله حفظ نسل در گفتمان اسلامی و لحاظ آن به عنوان يکي از مقاصد شريعت، می‌توان گفت که اين پنهان کردن در راستای صلاح کودک و جامعه نخواهد بود. به نظر می‌رسد فقدان زمينه‌های فرهنگي برای پذيرش کودکان ناشی از روش‌های نوين کمک باروري از يکطرف و همچنين عدم تبیین دقيق وضعيت حقوق و تکاليف اين دسته از کودکان در قانون، از مهم‌ترين دلايل ترغيب قانونگذار در عدم ايجاد دسترسي کودک به اطلاعات مربوط به والدين بيولوژيکي خود است. با اين وجود، اولاً با تغيير نگرش‌ها نسبت به اين نوع از روش‌های درمانی؛ ثانياً تعيين تکليف

والدین گیرنده توسط قانون در اموری چون نفقه و پرداخت هزینه‌های مربوط به کودک توسط ایشان و عدم مسؤولیت اهداکنندگان؛ ثالثاً با الغای خصوصیت از قانون سرپرستی مصوب ۱۳۹۲ بتوان وجود چنین حقی را برای این دسته از کودکان نیز محترم شمرد و امکان دسترسی به اطلاعات را فراهم آورد، زیرا در حالی که در سرپرستی کودکان و نوجوانان، ایشان هیچ گونه ارتباط بیولوژیکی با سرپرستان ندارند و ارائه اطلاعات ممکن است در ایشان احساس طردشگی از سوی خانواده اولیه ایجاد کند و در نتیجه آسیب‌های روانی بیشتری را متحمل شوند، قانونگذار افشای اطلاعات و رعایت حق بر هویت را یک تکلیف قانونی اعلام کرده است. بنابراین در برخی از این روش‌ها، به ویژه اهدای جنین که فرزند بخشی از دوره تکون خود را در رحم مادر گذرانده و والدین نیز برای به دست آوردن او مشقات و هزینه‌های زیادی را متحمل شده‌اند و حس طردشگی جایی نخواهد داشت و اساساً آسیب‌های روانی کم‌تری نسبت به موضوع سرپرستی وجود دارد، نمی‌توان او را از این حق محروم کرد و این اطلاعات را در قالب اسناد محرمانه و طبقه‌بندی شده دور از دسترس او و برای همیشه نگهداری نمود.

References

1. Ghazzali M. Ehya e Olum e Din. Halab: Dar Al Vaa; 1988. p.28. [Arabic]
2. Amin H. History of Iran's Law. Tehran: Iranian studies encyclopedia; 2007.p.147. [Persian]
3. Sadugh M. Amali. Qom: Islamiye Library; 1984. p.87. [Arabic]
4. Sadugh M. Man La Yahzoroh Al Faghih. Qom: Modarresin Community Press; 1992. p.386. [Arabic]
5. Safae H, Emami A. Family Law. Tehran: Tehran University Press; 1997. p.99. [Persian]
6. Blyth E, Farrand A. Anonymity in donor-assisted conception and the UN Convention on the Rights of the Child. The International Journal of Children's Rights 2004; (12): 89-104.
7. Golombok S, Lycett E, MacCallum F, Jadva V, Murray C, Abdalla S, et al. Parenting Children Conceived by Gamete Donation: Findings from a New Millennium Cohort. London: Personal communication; 2002. p.22.
8. Haimes E. Theory and Methodology in the Analysis of the Policy Process: a Case Study of the Warnock Committee on Human Fertilization and Embryology. Edited by Hill M. New agendas in the study of the policy Process. London: Harvester Wheatsheaf; 1993. p.152-157.
9. Pennings G. The 'double track'; policy for donor anonymity. Human Reproduction 1997; 12(12): 2839-2844.
10. Blyth E, Farrand A. Anonymity in donor-assisted conception and the UN Convention on the Rights of the Child. The International Journal of Children's Rights 2004; 12(2): 89-104.
11. Blyth E, Frith L. Donor-conceived people's access to genetic biographical history: An analysis of provisions in different jurisdiction permitting disclosure of donor identity. International Journal of Law, Policy and the Family 2009; 23(2): 174-191.
12. Blyth E, Frith L. Donor-conceived people's access to genetic biographical history: An analysis of provisions in different jurisdiction permitting disclosure of donor identity. International Journal of Law, Policy and the Family 2009; 23(2): 174-191.

13. Blyth E, Farrand A. Anonymity in donor-assisted conception and the UN Convention on the Rights of the Child. *The International Journal of Children's Rights* 2004; 12(2): 89-104.
14. Drăghici A, Didea I, Duminičă R. The Right Of Children To Know Their Parents - A Constitutive Element of the Child's Identity. *Acta Universitatis Danubius* 2013; 9(1): 115-123.
15. Shenfield F, Steele SJ. What are the effects of anonymity and secrecy on the welfare of the child in gamete donation?. *Human Reproduction* 1997; 12(2): 392-395.
16. Shenfield F, Steele SJ. What are the effects of anonymity and secrecy on the welfare of the child in gamete donation?. *Human Reproduction* 1997; 12(2): 392-395.
17. Thorpe R, Croy S, Petersen K, Pitts A. In the Best Interests of the Child? Regulating Assisted Reproductive Technologies and the Well-Being of Offspring in Three Australian States. *International Journal of Law, Policy and the Family* 2012; 26(3): 259-277.
18. Human Fertilization and Embryology Act. 2008.
19. Sylvester T. The Case against Sperm Donor Anonymity (unpublished J.D. thesis, Yale Law School). Available at: <http://donorsiblingsregistry.com/legal.pdf>.
20. Blyth E, Farrand A. Anonymity in donor-assisted conception and the UN Convention on the Rights of the Child. *The International Journal of Children's Rights* 2004; 12(2): 89-104.
21. Glenn McGee S, Vaugh Brakman SD, Gurmakin A. Gamete Donation and Anonymity. *Human Reproductive* 2001; 16(10): 20-42.
22. Blyth E, Farrand A. Anonymity in donor-assisted conception and the UN Convention on the Rights of the Child. *The International Journal of Children's Rights* 2004; 12(2): 89-104.
23. Pierik RHM. Towards a Right to Cultural Identity? A Review Essay. *Leiden Journal of International Law* 2003; 16(3): 639-649.
24. Sistani M. The injection of Stranger Sperm to the Woman's Womb, Gamete and Embryo in infertility Treatment. Tehran: Samt; 2010.